

گزارش نشست

## راهکارهای تحقق عدالت در حکمرانی علوی

دکتر اصغر مسعودی

استادیار، عضو هیات علمی جامعه المصطفی فاینده تهران والبرز

دوشنبه ۱۴۰۲/۹/۲۰



جامعه المصطفی العالمیة - فاینده تهران والبرز

### اهمیت عدالت

شهیدی که نامش قرین عدالت است. حاکمی که جز احقاق حقوق و دفع باطل چیزی از حکومت نمی خواهد. تجسم عدالت و فضیلت، شیفته حق و انصاف، نمونه کامل بشردوستی و رحمت و محبت و احسان، کشته عدالت و مساوات است. در نگاه آسمانی او عدالت ارزش و بزرگواری، پیروزی و عزت و کرامت، برترین موهبت ها، محکم ترین بنیان، سبب برکت ها و خیرات، مایه پیوند، سبب اصلاح مردم، و میزان و ترازوی خداوند می باشد. عدالت دریایی ژرف و موج، سرآمد ایمان، و گردآورنده نیکی ها، برتر از هر کار نیک، حیات طیبه بشریت و مایه سلامت و بهروزی، موجب دوری انسان ها و حاکمان از ستم و گناه، روشنی چراغ اسلام است. او که حاضر نیست در برابر هفت اقلیم عالم، ناروا پوست جوی را از دهان مورچه ای برگرد و دنیای در نظرش از برگی در دهان ملخ خوارتر است. امیر مومنان علی (ع) در مدت حکومت کوتاه خویش بیشترین اهتمام را به اجرای عدالت داشتند و تا پای جان از عدالت دفاع نمود و سرانجام جان خویش را نثار اجرای عدالت نمود.

### عدالت و تقوا

اغْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى (عدالت ورزید که آن، به تقوا و پرهیزکاری نزدیکتر است).

### دشمنی با قومی موجب بی عدالتی نشود

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ... وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاَنُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا... اغْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى... وَأَتَّقُوا اللَّهَ... إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ (ای کسانی که ایمان آورده اید! همواره برای خدا با تمام وجود قیام کنید، و به انصاف و عدالت، گواهی دهید! و هرگز دشمنی با قومی، شما را به بی عدالتی وادار نکند. به عدالت رفتار کنید، که به تقوا نزدیکتر است! و از خداوند پروا کنید، که همانا خدا به آنچه انجام می دهید، آگاه است!) المائدة: آیه ۸.

### گواراتر از آب

امام صادق علیه السلام می فرماید: العَدْلُ أَحْلَى مِنَ الْمَاءِ يَصِيبُهُ الظَّمَانُ؛ [الکافی، ج ۲، ص ۱۴۶]. عدالت از آبی که شخص تشنه به آن می رسد، گواراتر است.

### گشایش امور

امیرالمومنین علی علیه السلام می فرماید: إِنَّ فِي الْعَدْلِ سَعَةً وَ مَنْ ضَاقَ عَلَيْهِ الْعَدْلُ فَالْجَوْرُ عَلَيْهِ أَضْيَقُ [نهج البلاغه، صبحی صالح، خطبه ۱۵،

ص ۵۷] گشایش امور با عدالت است، کسی که عدالت او را در مضیقه اندازد، ظلم و ستم، مضیقه بیشتری برای او ایجاد می‌کند. اجرای دقیق عدالت بدون حکمرانی مطلوب ممکن نیست. تا زمانی که حکومت مبتنی بر عدالت شکل نگیرد، عدالت به مسلخ رفته، در شعار باقی می‌ماند.

## پیوند عدالت و حکومت مطلوب

در اندیشه و سیره امام علی (ع)، سلامت و سعادت جامعه، بدون اجرای عدالت و عدالت بدون وجود حکومت تحقق نمی‌یابد. عدالت، جمال و آبروی حاکمان است. سیاست کلی و دائمی هر حکومتی باید اجرای عدالت باشد. عدالت از مفاهیم ارزشمند، کاربردی و راهبردی است که از آغاز خلقت تا ابد جایگاه ارزشی خود را نزد بشر حفظ کرده است. آنچه به حکومت ارزش و اهمیت می‌دهد اجرای عدالت است. در رابطه با اهمیت عدالت سخن بسیار بیان شده است ولی اجرای عدالت در بیشتر حکومت‌ها نادیده گرفته شده است و علی (ع)، کشته اجرای عدالت شدند. عدالت بدون حکومت قابلیت تحقق ندارد؛ بر این مبنای پیوند عمیق عدالت و حکومت، و تلاش برای تحقق عدالت و رعایت حقوق، از آموزه‌های اصلی و راه کارهای اساسی در اندیشه و سیره امام علی (ع) است. دین و ایمان، و نیکی و درستی، بدون رعایت عدالت، تحقق نمی‌یابد؛ زیرا با بی‌عدالتی، حقوق و حدود به راحتی زیر پا گذاشته می‌شود؛ اما پرسش اساسی این است که عدالت چگونه و با چه ملازماتی تحقق می‌یابد؟ و راهکار تحقق عدالت چیست؟

## مفهوم عدالت

«عدالت» دارای معانی متعددی است؛ از جمله مساوات و برابری، قسط، انصاف، امری بین افراط و تفریط، مساوات در مکافات به نیکی نیکی، و به بدی بدی. ضد جور، داوری و حکم به حق، مقابل ستم، بیداد، جور و ظلم، استقامت، همانندی، همسنگی، درستی، میزان بودن عدل از الفاظی است که دو معنی متضاد دارد، لذا به انحراف از یک مطلب، عدول گفته می‌شود: نخست معنی معروف آن است که به معنی قرار دادن چیزی در محل لایق و مناسب است، و این مفهوم وسیع، مصداق‌های زیادی دارد از جمله عدالت به معنی موزون بودن، عدالت به معنی رعایت تساوی و نفی هرگونه تبعیض، عدالت به معنی رعایت حقوق دیگران، عدالت به معنی رعایت استحقاق‌ها و لیاقت‌ها، و بالاخره عدالت به معنی تزکیه و پاک‌سازی.

## عدل در قرآن

عدل، در قرآن به معانی متعدد آمده است؛ از جمله به معنای عدالت: وَ أَشْهَدُوا ذَوَىٰ عَدْلٍ (طلاق: ۲)؛ به معنای مساوات: وَأُمِرْتُ لِأَعْدِلَ بَيْنَكُمُ (شوری: ۱۵) به معنای مساوات در جزا دادن است. «ان الله يامر بالعدل والاحسان»؛ به معنای نفقه و بخشش: فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاجِدَةٌ (نساء: ۳)؛ کنایه از فریضه: وَلَا يَقْبَلُ مِنْهَا شَفَاعَةً وَلَا يُوْخَذُ مِنْهَا عَدْلٌ (بقره: ۴۸)؛ به معنای تعادل و تساوی در ارزش: أَوْ عَدْلُ ذَلِكَ صِيَامًا (مائده: ۹۵) یا معادلش روزه بگیرد؛ به معنای فدیة: وَلَا يُوْخَذُ مِنْهَا عَدْلٌ (بقره: ۴۸)؛ وَإِنْ تَعَدِلْ لَ عَدْلٌ لَا يُوْخَذُ مِنْهَا (انعام: ۷۰)؛ به معنای شرک: ثُمَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ يَعْدِلُونَ (انعام: ۱).

## مفهوم شناسی عدالت در کلام امیر مومنان (ع)

### قرار دادن و قرار یافتن هر چیز در جای خودش

«الْعَدْلُ يَضَعُ الْأُمُورَ مَوَاضِعَهَا.»؛ عدالت این است که هر کس در هر چیز در جای خود قرار گیرد، و این قرار گرفتن، براساس شایستگی‌ها باشد، تا راه

راست و موفقیت و رستگاری رخ نماید. در عدالت استحقاق‌های طبیعی و واقعی را در نظر گرفته و به هر کس مطابق با استعدادهایش و لیاقتش کاری داده می‌شود. تلاش امام (ع) در حیات و حکومت خود بر این بوده است که همه چیز در جای خود قرار گیرد، چنان که در نخستین سخنان خود در مدینه پس از بیعت فرمود [نهج البلاغه، حکمت ۴۳۷]

و سئل (عليه السلام) أَيُّهُمَا أَفْضَلُ، الْعَدْلُ أَوْ الْجُودُ؟ فَقَالَ (عليه السلام): الْعَدْلُ يَضَعُ الْأُمُورَ مَوَاضِعَهَا، وَالْجُودُ يَخْرِجُهَا مِنْ جِهَتِهَا؛ وَالْعَدْلُ سَائِسٌ عَامٌّ، وَالْجُودُ عَارِضٌ خَاصٌّ؛ فَالْعَدْلُ أَشْرَفُهُمَا وَ أَفْضَلُهُمَا.

از آن حضرت پرسیدند که کدام یک از این دو برترند: عدالت یا بخشندگی؟ فرمود:

عدالت، هر چیز را به جای خود می‌نهد و بخشندگی آن را از جای خود بیرون می‌نهد. عدل، نگاه‌دارنده همگان است و بخشندگی، تنها کسی را در بر می‌گیرد که بخشش نصیب او شده. پس، عدالت از بخشندگی شریفتر و برتر است. [همان، خطبه ۱۴]

## مفهوم قسط

واژه قسط در دو معنای متضاد «عدل و داد» و «جور و ظلم» به کار رفته است. از همین رو بسیاری از واژه‌شناسان، این واژه را در شمار اضداد آورده‌اند. قسط، عدل و حصه و نصیب است. الْقِسْطُ هُوَ النَّصِيبُ بِالْعَدْلِ؛ قسط، نصیب و سهم گذاری با عدالت است. واژه «قسط» در اصل به معنای سهم و نصیب عادلانه است. گاه به معنای عدالت می‌آید و آن در صورتی است که نصیب عادلانه هر کس پرداخته شود. فَالْقِسْطُ: الْعَدْلُ. وَ يُقَالُ مِنْهُ أَقْسَطَ يُقْسِطُ. قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ و گاه به معنای «ظلم» می‌آید و آن زمانی است که نصیب عادلانه او گرفته شود. اولى معمولا به صورت باب افعال به کار می‌رود و یکی از نام‌های خدا را «مُقْسِط» ذکر کرده‌اند و دومی به صورت قِسْط (از ثلاثی مجرد) لذا «قاسِط» به معنای ظالم است. از این رو قرآن مجید می‌فرماید: وَأَمَّا الْقَاسِطُونَ فَكَانُوا لِجَهَنَّمَ حَطَبًا [سوره جن، آیه ۱۵].



## قسط در کلام امیر مومنان (ع)

در کلام علی علیه السلام قسط به معنای عدل، سهم، استحقاق طبق نظام و به معنای ظلم آمده است. حضرت در وصف خداوند می‌فرماید: «وَقَامَ بِالْقِسْطِ فِي خَلْقِهِ وَعَدَلَ عَلَيْهِمْ فِي حُكْمِهِ»؛ خدا میان مخلوقاتش به قسط و داد رفتار کرد (هر چیز را با حصه‌ی متعادل آفرید) و با عدل و داد بر آنها حکم فرمود. [نهج البلاغه، خطبه ۱۸۵]

در خطبه ششمین «قَسَطَ» به معنای ظلم آمده است: «فَلَمَّا نَهَضْتُ بِالْأَمْرِ نَكَنْتُ طَائِفَهُ وَ مَرَقْتُ أُخْرَى وَ قَسَطَ آخِرُونَ...». نامیده شدن اصحاب صفین به «قاسطین»، از آن رو است که معاویه و پیروانش بر خلیفه وقت یعنی امام علی علیه السلام شوریدند: «القاسطون: أهل صفین لأنهم جاروا في الحكم و بغوا عليه». علی علیه السلام می‌فرماید: «أُمِرْتُ بِقِتَالِ النَّاكِثِينَ وَ الْقَاسِطِينَ وَ الْمَارِقِينَ» که بازتاب بسیاری در منابع تاریخی و روایی دارد. [همان، ۱۴۱۴: ۴۹، خطبه ۳. ابن اثیر ۱۳۹۹: ۴/۶۰، مجلسی: ۱۴۰۳: ۹۷/۲۹۰]

## اهمیت عدالت

لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ مَن يَنْصُرُهُ وَرُسُلَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ (حدید: ۲۵)

همانا ما پیمبران خود را با ادله و معجزات فرستادیم و با ایشان کتاب و میزان عدل نازل کردیم تا مردم به راستی و عدالت گرایند، و آهن (و دیگر فلزات) را که در آن هم سختی (جنگ و کارزار) و هم منافع بسیار بر مردم است (نیز برای حفظ عدالت) آفریدیم، و تا معلوم شود که خدا و رسلش را با ایمان قلبی که یاری خواهد کرد؟ (هر چند) که خدا بسیار قوی و مقتدر (و از یاری خلق بی نیاز) است.

حضرت علی (ع) از عدالت به عنوان روشنایی چشم حاکمان، ظهور محبت مردم و زینت فرمانروایی یاد می کند و عدالت را حیات طیبه جامعه می داند و ستم را موجب مرگ و فنا معرفی می نماید. می فرماید: **الْعَدْلُ حَيَاةُ الْجَوْرِ مَمْعَاةٌ**؛ «جامعه به واسطه بی عدالتی و رعایت نشدن حقوق افراد، از روح زندگی (حیات طیبه) محروم است. با اجرای عدالت، افزون بر آثار مادی و رشد اقتصادی، زندگی معنا می یابد و مردم به صلاح و رستگاری می رسند.

## مساوات در رفتار رسول خدا (ص)

در منطق قرآن سفید بر سیاه؛ عرب بر عجم؛ والی بر رعیت و حاکم بر مردم برتری ندارند. همه افراد مانند دندانهای یک شانه مساویند و جز به تقوا، هیچ مزیتی بر یکدیگر ندارند.

## اهمیت عدالت

حضرت علی علیه السلام عدل را زمینه ساز امنیت و عافیت، مایه آبادانی کشور: «رستگاری و کرامت»، «برترین فضایل»، «بهترین خصلت» و «بالاترین موهبت الهی» و «مانوس خلائق» می دانند و رعایت آن را موجب «افزایش برکات» ذکر می فرمایند.

جوهره و هسته اصلی ایمان، عدالت است و تمام نیکوییها از آن سرچشمه می گیرند. ملاک حکمرانی، عدل است و عدالت محکم ترین اساس و بنیانی است که در نظام اجتماعی وجود دارد. خداوند متعال عدالت را سبب قوام امور زندگی مردم قرار داده تا از ظلم، ناپسامانی و گناه در امان بمانند و احکام و قوانین به وسیله عدالت احیا، و اجرا گردند.

همچنان که ظلم و ستم آثار و نتایج چون: اختلاف و تشتت، دشمنی، ناامنی، بدبختی، نارضایتی، ویرانی و گسیختگی اجتماعی در پی دارد، عدالت آثاری ارزشمند و لذت بخشی چون: اصلاح، آبادانی، امنیت، برابری، احقاق حقوق و اجرا شدن قانون را به ارمغان می آورد؛ عدل و دادگری را به کار بند، و از زورگویی و ستمگری برحذر باش؛ زیرا زورگویی ملت را به جلائی وطن وا می دارد و ستم، مردم را به قیام مسلحانه فرا می خواند.



## تشکیل حکومت

اولین اقدام امیر مومنان برای اجرای عدالت پذیرش و تشکیل حکومت بود. تلاش برای برقراری عدالت اجتماعی به عنوان تکلیف الهی، محوری ترین نقش را در خاستگاه و اهداف حاکمیت علوی دارد. امیر مومنان علیه السلام، عدالت را یک تکلیف و وظیفه الهی، بلکه یک ناموس الهی می داند، هرگز روا نمی شمارد که یک مسلمان آگاه به تعلیمات اسلامی در برابر تبعیض و بی عدالتی بی تفاوت باشد. حکومتی که در آن روح سلطه بر دیگران وجود داشته باشد و مبتنی بر هوا و هوس باشد، در نظر حضرت پست و بی ارزش تلقی می شود، زمامداران، همواره در معرض لغزش و نیاز به مراقبت دارند و زمامداری، بدون احساس تعهد و عدالت از کفش کهنه و وصله خورده و عطسه دهان بزی، یا از استخوان خوکی در دست انسان خوره داری بی ارزشتر است؛ آنچه موجب ارزشمند کردن حکومت می گردد اجرای عدالت؛ بر چا داشتن حق و دفع کردن باطل می باشد. علی (ع) حکومت و زعامت را، به عنوان وسیله ای برای اجرای عدالت، اجرای احکام الهی، ابزار گرفتن حق و خدمت به اجتماع، مقدس می شمارد و مانع دست یافتن حریف و رقیب به آن می گردد و از شمشیر زدن برای حفظ و نگهداری اش از دستبرد چپاول گران دریغ نمی ورزد.

## انتخاب کارگزاران شایسته

بعد از تشکیل حکومت علوی، مهمترین عملکرد در راستای اجرای عدالت، انتخاب کارگزاران شایسته می باشد. مسئولان جامعه اعم از رهبری و تمام کارگزاران، باید شایستگی لازم را داشته باشند. یکی از برنامه های اصلاحی امیر مومنان در اجرای عدالت انتخاب کارگزاران شایسته و برکناری والیان فاسد بود. در حکومت علوی کارگزاران باید از اشخاص صاحب صلاحیت از حیث تقوا، دانش و توانایی انتخاب شوند، تواناترین و با تقواترین فرد، از سایرین سزاوارتر است: سزاوار به خلافت کسی است که بدان توانا تر باشد و در آن به فرمان خدا دانا تر. و قرار گرفتن اشخاص بر اساس شایستگیها و در جای خود، عدالت است.

## توجه به حقوق مکفی کارگزاران

حضرت به حقوق و معیشت کارگزاران توجه و تاکید دارند تا هم بستری برای خیانت آنان فراهم نشود و هم در مجازات آنان تردیدی ننمایند: سپس جیره آنان را فراوان ده، زیرا این برنامه برای آنان در اصلاح وجودشان قوت است، و از خیانت در آنچه زیر دست آنان می باشد بی نیازکننده است، و اگر از فرمانت سر برتابند و یا در امانت خیانت کنند بر آنان حجت است.

## تاکید بر حاکمیت قانون

در سیره و گفتار امام علی (علیه السلام)، بر تساوی و برابری حقوق و قاطعیت در اعمال قانون تأکید فراوان شده است. قانون باید به صورت عادلانه برای همه اقشار و بدون در نظر گرفتن موقعیت و مقام افراد، حدود الهی و قانونی اجرا می شد و هیچ واسطه و شفاعتی را نمی پذیرفت. حضرت اهداف بلند خویش را از به دست گرفتن حکومت؛ گسترش معنویت، ایجاد امنیت و افزایش رفاه در جامعه (به خصوص احقاق حق افراد ستمدیده) و حاکمیت قانون، بیان می کند. حضرت علی (علیه السلام) در فرمان های خود به نمایندگانش توصیه می کرد که در جامعه اسلامی، هرگز نباید ضابطه ها در برابر رابطه ها رنگ ببازند و اگر چنین شد، صاحبان نام و نان، قانون را اسیر خواسته های نفسانی خود خواهند کرد و ضعف و محرومین حقوقشان پایمال می شود.

## ساده زیستی حاکمان و مبارزه با اشرافیگری

امام علی (ع) با اشرافیت و زندگی تجملی سخت مبارزه می کند و خود چون پایین ترین افراد زندگی می کند. در جامعه اسلامی که افرادی فقیر دارد، ساده زیستی را از جمله وظایف حاکمان اسلامی می داند ساده زیستی حاکمان اسلامی و اطلاع از زندگی افراد کم درآمد و فقیر نیز یکی از خصوصیات رهبران و مسئولان عادل در جامعه می باشد و امام علی (ع) رعایت آن را واجب می داند و معتقد است که ساده زیستی حاکمان اسلامی زمینه را برای اجرای عدالت و اقامه آن در جامعه اسلامی فراهم می آورد.

## نظارت و برخورد قاطع با فاسدان

بعد از توصیه و تاکید بر رعایت قانون و ارسال دستور العمل های اجرایی به کارگزاران به نظارت آشکار و پنهان توجه داشتند و با متخلفان و مفسدان، با جدیت و بدون استثناء و بسرعت برخورد می کردند. حضرت افرادی را به عنوان ناظر بر عملکرد والیان به مناطق مختلف ماموریت می داد که با دقت و رعایت امانت از مراکز دولتی بازرسی نماید و مراتب را دقیق به حضرت گزارش دهند و حضرت از کارگزاران هم می خواهد بر عملکرد ماموران نظارت کند و افرادی خیره و متعهد و امین به عنوان بازرس به صورت آشکار و پنهان، کار عاملان و کارمندان حکومتی را مورد بررسی قرار دهند و آنچه را که مشاهده نموده اند، به فرمانداران گزارش دهند. «... سپس رفتار کارگزاران را بررسی کن و مراقبانی راستگو و وفادار بر آنان بگمار که مراقبت و بازرسی پنهانی تو از کار آنان سبب امانت داری و مهربانی رعیت خواهد بود.»

## حساسیت به گزارش ها

امام علی (علیه السلام) در نامه ای به شریح بن الحارث قاضی کوفه می فرماید: «به من خبر دادند که خانه ای به ۸۰ دینار خریده ای و سندی برای آن نوشته ای و گواهی آن را امضا کرده اند. ای شریح اندیشه کن که آن خانه را با مال دیگران و یا پول حرام نخریده باشی که آنگاه خانه دنیا و آخرت را از دست داده ای.» حضرت در نامه ای به زیاد بن ابیه جانشین فرماندار بصره فرموده است: «به خدا سوگند، اگر به من گزارش کنند که در بیت المال خیانت کرده ای، کم یا زیاد، چنان بر تو سخت گیرم که در هزینه عیال درمانی، و خوار و سرگردان شوی»

## دفاع از حق و توجه به حقوق

در دیدگاه امام علی، عدالت بر اساس مفهوم حق پایه ریزی شده است، **أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ لِي عَلَيْكُمْ حَقًّا وَ لَكُمْ عَلَيَّ حَقٌّ...** ای مردم! من بر شما حقی دارم و شما بر من حقی دارید، حق شما بر من خیر خواهی کردن برای شما و رساندن غنیمت و حقوقتان از بیت المال به شماست و تعلیم شما تا نادان نمانید، و تربیت کردن شما تا بیاموزید. امام علیه السلام «برپایی حق را عامل عزت مندی، پایداری دین، اصلاح روزگار و دوام حکومت بیان می فرماید.» امام علیه السلام یکی از علل عدم اجرای حق را، روی گردانی حاکمان از آن معرفی می کند. امام علی (ع) احقاق حقوق مردم را یک رویه عادلانه و از وظایف حاکم اسلامی می داند و در این رابطه می فرماید: «ضعیفترین افراد نزد من عزیز است تا حق او را باز گردانم و فرد قوی در نزد من پست و ناتوان است تا حق او را بازستانم.»

## بازگردادن بیت المال

برقراری روابط ناسالم و غیر صحیح، موجب بهره مندی عده ای از اموال عمومی و شکاف طبقاتی می شود. امام علی علیه السلام یکی از علل پذیرش حکومت را «بازگرداندن حقوق غصب شده» بیان می دارد و در آغاز حکومت خود، با باندهای ثروت و کسانی که در زمان عثمان به آنها ناحق

از بیت الامال، بذل و بخشش شده بود، برخوردار کرد و تمام اراضی و اموالی را که پیش از او از بیت المال به اشراف داده شده بود، پس گرفتند، در ابتدای حکومت بر فراز منبر فرمودند: به خدا اگر چیزی از آن اموال بیایم که به مهر زنان یا بهای کنیزکان رفته باشد، آن را برمی گردانم. همانا در عدل گشایشی است و آن که عدل بر او سخت باشد، ستم را سختتر یابد.

## مبارزه با فساد و رشوه

وجود فساد، رشوه و حیف و میل بیت المال، موجب انحطاط و مانع توسعه جامعه می گردد. حضرت علی (علیه السلام) رشوه را به زهر مار تشبیه نموده و آن را وسیله تباهی حکومت و عدم ایفای حقوق مردم می داند. امام ریشه این امور را در کارگزاران، می بیند. زیرا مسئولان حقوق مردم را ایفا نمی کنند و مردم، ناگزیر حق خود را با اعطای رشوه می گیرند. حضرت ارمغان و ظرف حلوی اشعث بن فیس را چنان ناخوش می داند که گویی آب دهان مار بدان آمیخته است و فریب نمی خورد و می فرماید...: به خدا، اگر هفت اقلیم را با آنچه زیر آسمانهاست به من دهند، تا خدا را نافرمانی نمایم و پوست جوی را از مورچه ای به ناروا بریایم، چنین نخواهم کرد. و دنیای شما نزد من خوارتر است از برگی در دهان ملخ که آن را می خاید و طعمه خود منماید. علی را چه کار با نعمتی که نیاید و لذتی که به سر آید؟ پناه مبریم به خدا از خفتن عقل و زشتی لغزشها و از او یاری می خواهیم.

## شکاف طبقاتی

حضرت علی علیه السلام معتقد بودند وجود شکاف طبقاتی در جامعه و پیدا شدن دو گروه فقیر و غنی، نتیجه مهجور ماندن عدالت و وجود ظلم و ستم است. فرقی نمی کند که این ستم مستقیم و بی واسطه یا غیرمستقیم و با واسطه باشد که به سبب پیچیده شدن نظامهای اقتصادی و تجاری جامعه صورت می پذیرد. امام علیه السلام این اصل را به صورت یک معادله بیان می فرمایند: هیچ ثروت انبوهی ندیدم مگر آن که در کنار آن، حقی ضایع شده بود.



## نظارت بر بازار

یکی از برنامه های امام علی علیه السلام این بود که هر روز به بازارهای کوفه سرکشی می کرد و به بازاریان می فرمود: ای گروه بازرگان! از خدا بترسید، پیشاپیش از خدا طلب خیر کنید و با آسان گرفتن بر مشتریان از خداوند برکت بخواهید... از ستم دست بکشید و با مظلومان به انصاف برخورد کنید و به ربا نزدیک نشوید و کم فروشی نکنید و حقوق مردم را کم ندهید و در زمین به فساد سر بر ندارید.» «سفارش نیکو به تاجران و صنعتگران و آنان که با مال خود در رفت و آمدند، و آنان که با هنر دست خود در پی کسب و سودند، چه اینکه اینان مایه های منافع، و اسباب راحت جامعه، و جلب کننده سودها از مکان های دوردست، در بیابان و دریا، و زمین هموار و ناهموار منطقه حکومت توأند، از مناطقی که مردم

در آن جمع نمی‌شوند، و به رفت و آمد در آنها جرأت نمی‌کنند، اینان اهل سلامت اند. در میان بازرگانان کسانی هستند که تنگ نظر و بد معامله و بخیل هستند و به دنبال احتکار به خاطر سود هستند و کالا را به هر قیمتی که بخواهند، می‌فروشند و این سودجویی گران فروشانه، زبانی برای همگان است و عیب بر حاکمان. پس، از احتکار جلوگیری کن.

## توجه به عمران و آبادی

توجه به کار و تولید و تلاش همواره مورد توجه امام علیه السلام بود. حضرت توجه زیادی به عمران و آبادی شهرها داشتند و به کارگزاران خود بر اصلاح و آبادانی بلاد تاکید داشتند: «... او را به حکومت مصر می‌گمارد تا خراج آن دیار را جمع آورد، و با دشمنانش نبرد کند، کار مردم را اصلاح، و شهرهای مصر را آباد سازد.»

## رعایت عدالت و مقابله با تبعیض

حضرت علی (علیه السلام) قوام و پایداری هر نظام سیاسی را رعایت عدل و انصاف در بین آحاد مردم و دوری از هرگونه تبعیض در بین طبقات مختلف جامعه می‌داند و عدالت را برترین اصلاح می‌داند. زیرا ضعف‌ها، بی‌نظمی‌ها، ناکارآمدی‌ها و... همه ناشی از خروج امور از موضع خود می‌باشد و سیاست عادلانه، سیاستی است که هر کاری را بر موضع خود بنشانند: «عدل و عدالت هر چیزی را در جای خود می‌نهد» به کارگزاران حکومتی خود بر عدل و انصاف توصیه می‌نماید: «با افراد تحت حکومت خود با عدل و انصاف رفتار کن، که اگر چنین نکنی، بر آنها ستم روا داشته ای.»

حضرت نتیجه بی‌انصافی را آوارگی مردم و ناامنی برای حکومت می‌داند: «عدالت را به کار گیر و از بی‌انصافی و بی‌عدالتی بر حذر باش که بی‌انصافی کردن با مردم آنان را آواره می‌کند و بی‌عدالتی به قیام مسلحانه وا می‌دارد.»

## پاسخگویی، تبیین واقعیت‌ها و ارتباط مستقیم

امام علی (علیه السلام) بر رسیدگی به مشکلات مردم به طور مستقیم و از نزدیک و بدون از هرگونه برتری جویی حکام و قوانین اضافی و دست و پاگیر می‌داند و می‌فرماید: «در هر بامداد و شام ساعتی برای رسیدگی به امور رعیت معین کن و به سؤالات آنها شخصا جواب ده.» حضرت علی (علیه السلام) حق سؤال از تمامی ارکان حکومت را برای مردم به رسمیت شناخته و پاسخگویی در قبال سؤالات مردم را بر حکومت واجب دانسته و در این زمینه خطاب به مالک اشتر فرموده است: «و اگر رعیت بر تو گمان ستم برد، آشکارا به مردم توضیح ده و عذر خود را نزد آنان بیان کن و با این کار آنها را از بدگمانی بیرون بیاور، که اگر چنین کنی، این کار تو برای توریاضت (و تمرین اجرای عدالت) است و برای مردم رفتاری به مدارا و محبت، و صراحت‌گویی در بیان عذر، و در نتیجه، استوار داشتن توده‌ها در راه حق.»



## توجه به معیشت مردم و حمایت از فقرا

فقر و ضعف عمومی مردم و مشکلات و رنج‌های آنان، حضرت را آزرده می‌کرد: «چگونه من راحت بخوابم و دلخوش باشم که امیر مردم هستم در حالی که شاید در حجاز و یمامه و اطراف، افرادی باشند که گرسنه یا تشنه به سر برند.» فقر تهیدستان در ارتباط مستقیم با ثروت اندوزی اغنیاست، و خداوند قوت فقرا را در اموال اغنیا قرار داده است. دغدغه امام علی (علیه السلام) رسیدگی به حال فقرا و درماندگان بود: «سپس خدا را! در خصوص طبقات پایین و محروم جامعه که هیچ چاره ای ندارند و عبارتند از: زمین‌گیران، نیازمندان، گرفتاران و دردمندان همانا در این طبقه محروم گروهی خویش‌ن داری کرده و گروهی دیگر دست به گدایی و دست نیاز بر می‌دارند پس برای خدا پاسدار حقی باش که خداوند بر این طبقه معین فرموده است.»

## مهرورزی و محبت

از نظر حضرت علی (علیه السلام) مهربانی و محبت با مردم در جذب دل‌ها و اداره کردن انسان‌ها نقش ارزنده ای دارد و باعث می‌شود زمامدار بر قلوب مردم حکومت کند. علی علیه السلام در موارد مختلف نسبت به عدالت و مهربانی به مردم و محترم شمردن شخصیت و حقوق مردم دستور و در مواردی خود به وضعیت فقیران و یتیمان رسیدگی می‌کردند. در عهدنامه مالک اشتر می‌فرماید: و اشعر قلبک الرحمة للرعیة...؛ قلب خود پر از رحمت و محبت به مردم کن. مبدا مانند یک درنده که دریدن و خوردن را فرصت می‌شمارد رفتار کنی که مردم تو یا مسلمان‌اند و برادر دینی تو و یا غیر مسلمان‌اند و انسانی مانند تو.

## توجه به از کارافتادگی و بازنشستگی

حضرت به از کارافتادگان و نیازمندان سفارش ویژه دارد و در این رابطه هیچ عذری را نمی‌پذیرد: خدا را خدا را در طبقه پایین اجتماع، از آنان که راه چاره ندارند، و از کارافتادگان و نیازمندان و دچارشدگان به زیان و سختی و صاحبان امراضی که از پا درآمده‌اند، در میان اینان کسانی هستند که روی سؤال و اظهار حاجت دارند و کسانی که عفت نفسشان مانع از سؤال است. بنابراین آنچه را که خداوند در مورد آنان از حفظ حقوق از تو خواسته به حفظ آن پرداز، نصیبی از بیت المال که در اختیار توست، و سهمی از غلات را در هر منطقه برای آنان قرار ده، که برای دورترین آنها همان سهمی است که برای نزدیکترین آنان است، در هر صورت رعایت حق هر یک از آنان از تو خواسته شده، پس نشاط و فرورفتن در نعمت تو را از توجه به آنان باز ندارد، چه اینکه از بی‌توجهی به امور کوچک آنان به بهانه پرداختن به کارهای زیاد و مهم معذور نیستی.

در زمان حکومت آن حضرت، پیر مردی نابینا به تکدی مشغول بود. امام از حال او پرسید، گفتند: مردی نصرانی است که در جوانی در حکومت مشغول خدمت بوده، امام سخت متاثر شده و فرمود: در روزگار جوانی او را به کارگماشتید و چون پیر و عاجز شد از حق خویش محروم‌ش ساختید، پس به خازن بیت المال دستور داد تا امور معیشت او را از صندوق دارایی عمومی بپردازند.

## نتیجه‌گیری

عدالت، قرار دادن هر چیز در جای خود، مفهومی وسیع دارد. عدالت حیات طیبیه جامعه می‌باشد. از اهداف امیر مومنان از پذیرش حکومت؛ اجرای عدالت، بازگرداندن حقوق غصب شده، احقاق حق و دفع باطل است.

نظارت آشکار و پنهان بر عملکرد کارگزاران و برخورد قاطع با فاسدان از جمله وظایف حاکم است.

احقاق حق و عدالت، مشمول مرور زمان نمی‌شود. تشکیل حکومت، تاکید بر حاکمیت قانون، مبارزه با فساد و رشوه و احتکار و گرانی و برخورد با مفسدان، دفاع از حق، توجه به عمران و آبادی، مهرورزی و محبت به مردم، انتقاد پذیری و ارتباط مستقیم با مردم، پاسخگویی و تبیین واقعیت‌ها برای مردم و... از راهکارهای اساسی امیر مومنان در اجرای عدالت می‌باشد. صلاح مردم در گرو حکومت صالح و صلاح حکومتها در گرو استقامت ملت است. راهکارهای برقراری عدالت، الگویی یگانه برای هر حکومت اسلامی است. از توجه شما سپاسگزارم.

معاونت آموزشی و پژوهشی با همکاران گروه‌های علمی تربیتی،  
نشست‌های علمی زیر را برگزار می‌کند:

<p><b>بررسی فقهی حقوق جرم‌های «و تطبیق آن»</b> آقای دکتر سیدعلی سیدموسوی یکشنبه ۱۳ / ۹ / ۱۴۰۲ تا ۱۴</p>	<p><b>فقه‌های علم در جهان اسلام - عملکرد و روکردها</b> آقای دکتر محمدرضا کلانفریاری شنبه ۱۸ / ۹ / ۱۴۰۲ تا ۱۳</p>
<p><b>عقائیت اسلامی و لوایم آن - با نگاه بر آیه‌های مجتبه</b> آقای دکتر حسن عسکری سه‌شنبه ۲۱ / ۹ / ۱۴۰۲ تا ۱۳</p>	<p><b>راهکارهای اجرای عدالت در حکمرانی علوی</b> آقای دکتر اصغر مسعودی دوشنبه ۲۰ / ۹ / ۱۴۰۲ تا ۱۳</p>
<p><b>بررسی فقهی حقوقی رای وحدت رویه سیدالشهدا (ع)</b> آقای دکتر سیدعلی سیدموسوی دوشنبه ۲۷ / ۹ / ۱۴۰۲ تا ۱۳</p>	<p><b>شکله اسلام امیرال در اندوختی: تحلیل و نقد</b> آقای دکتر سیدمصطفی مری چهارشنبه ۲۳ / ۹ / ۱۴۰۲ تا ۱۳</p>

نشانی: تهران، خیابان قرنی، کوچه دهقانی‌نیا، پلاک ۱۲. <http://vc.miu.ac.ir/miut>